

جهت‌گیری بخش صنعت و معدن در برنامه پنجم حرکت از بنگاه‌داری به سیاست‌گذاری

حمیدامانی *

طیبه نسرین دوست - محمد پریزادی **

اشاره:

بخش صنعت و معدن به عنوان بخشی که به لحاظ تاریخی و تجارب سایر کشورهای برخوردار از تنوع منابع طبیعی، جمعیتی و نیروی انسانی، بالاترین نرخ مشارکت را در تحقق رشد اقتصادی داشته و در افق چشم انداز جمهوری اسلامی ایران نیز بیشترین سهم را در نرخ رشد و تحقق اقتصاد بدون اتکای به صادرات مواد خام اعم از نفتی و غیرنفتی، بر دوش خواهد داشت، کانون مهمی برای توجه و برنامه ریزی در تحقق اهداف متعالی یاد شده تلقی می‌شود. جدول‌های کلان پیوست قانون برنامه چهارم توسعه، برای تحقق متوسط نرخ رشد اقتصادی ۸ درصد در اقتصاد کشور طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۴، متوسط نرخ رشد ۱۱/۲ درصد را برای بخش صنعت و معدن در نظر گرفته که بالاترین نرخ رشد در بین بخش‌های مختلف اقتصادی است و متوسط نرخ این رشد برای دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۸ معادل ۱۲/۹ درصد پیش بینی شده است.

گستره فعالیت بنگاه‌های صنعتی و معدنی در پهنه سرزمین، درهم تنیدگی فعالیت‌های صنعتی و معدنی با فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی مناطق، سهم فزاینده و مسلط صادرات صنعتی و معدنی در وضع کنونی و آینده صادرات غیرنفتی کشور، نقش کلیدی این بخش در اشتغال‌زایی برای جمعیت دانش آموخته دانشگاهی، آثار القایی توسعه بخش صنعت و معدن بر چگونگی گسترش جهشی بخش خدمات به ویژه خدمات مرتبط با صنعت و ده‌ها عامل مهم دیگر، مؤید نقش کلیدی بخش صنعت و معدن در گام‌های باقی مانده تا افق چشم انداز است. سازگاری، هماهنگی و تناسب سیاست‌ها و اهداف متخذه در برنامه‌های بخشی و لایه‌های فرابخشی (بازارهای پولی و مالی، بازار سرمایه، فضای کسب و کار و ...) بخش‌های پسین و پیشین (زیرساخت‌ها و بخش‌های بازرگانی) از الزام‌های تحقق برنامه‌های توسعه در بخش صنعت و معدن است.

* مدیر برنامه‌ریزی صنعت و معدن دفتر برنامه‌ریزی زیرساخت و تولید
** کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی زیرساخت و تولید

به اذعان ادبیات شناخته شده تبیین نقش دولت، گرایش بیشتر به ساز و کار بازار رقابتی به هیچ وجه به معنی دولت کوچک تر نیست، بلکه به معنی دولت کارآمدتر و اثربخش تر در ایفای نقش «تسهیل کنندگی»، «حمایت هدفمند»، «تعیین کنندگی قواعد بازی»، «نظارت» بر حسن اجرای آن، انجام مداخلات سازگار با بازار و حتی الامکان پرهیز از ایفای نقش بازیگری به جز در موارد بسیار استثنایی است

نخست به دلیل محدودیت منابع مالی و انسانی و ضرورت توزیع آن بین وظایف حاکمیتی و تصدی گری که به تضعیف کفه وظایف حاکمیتی می انجامد و دوم، به دلیل قرار گرفتن در نقش غیرمنصفانه رقیب در برابر بازیگران بی بهره از قدرت سیاسی و تأثیرگذاری بر قواعد بازی. (بخش خصوصی)

همچنین با توجه به مسئولیت دولت در حسن اداره کشور و ضرورت مداخلات مستند به مصالح ملی، حدود دخالت دولت در چارچوب نص و آیین نامه های اجرایی «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» تنها محدود به عناوینی از صدر اصل ۴۴ قانون اساسی که در سیاست ها و قانون یاد شده، به طور اختصاصی یا بنا به مصالح معینی بر عهده دولت قرار گرفته است، خواهد بود و مابقی فعالیت ها به بخش های غیردولتی واگذار و از حضور بخش دولتی در آنها جلوگیری خواهد شد. در گسترش سهم بخش غیردولتی، پرتنگ تر شدن فعالیت و نقش بخش های تعاونی و خصوصی متناسب با ظرفیت ها و ویژگی های هر یک صورت خواهد پذیرفت.

ارتقای جایگاه بخش خصوصی و تعاونی

با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب قانون ناظر بر اجرای آن، دولت و فعالان اقتصادی و به ویژه صنعتگران و معدن کاران، با رفع ابهام ها و تفاسیر و اعمال سلاقی ناشی از خلاء قانونی گذشته، به چارچوب نظری- عملی لازم برای تعیین دقیق قلمرو فعالیت های خود دست یافته اند. بدین رونق و جایگاه کلیدی و مسلط بخش های خصوصی و تعاونی در توسعه اقتصادی- صنعتی کشور به باوری خدشه ناپذیر در تصویر آینده صنعت و معدن مبدل شده و مبنای سیاست ها و اقدام ها در برنامه توسعه بخش قرار گرفته است.

توسعه قابلیت های فناوری به مثابه کلید ایجاد و تقویت مزیت های رقابتی

با توجه به افزایش روز افزون سهم ارزش افزوده تولیدات با فناوری پیشرفته در اقتصاد جهانی و ضرورت پایداری توسعه صنعتی بر مبنای دانش و فناوری های نو، عوامل و نهادهای فیزیکی تولید (سرمایه، منابع طبیعی غیرمعدنی، نفت و گاز، اقلیم و آب و خاک) در کنار وسعت سرزمین و اندازه قابل ملاحظه بازار داخلی، تنها در ترکیب با عنصر دانش و قابلیت های فناوری انسان امکان خلق مزیت های رقابتی یا پویایی و تقویت مستمر آن را می یابد. کشورمان، در زمینه هیچ یک از فعالیت های صنعتی برجسته مبتنی بر منابع و ظرفیت های طبیعی (شامل صنایع نفت و گاز و زنجیره ارزش پتروشیمی و نیز معادن و صنایع معدنی) و سایر صنایع، از توانمندی و قابلیت های فناوری متناسب با پیشینه خود در آن زمینه ها برخوردار نیست و یکی از پایه های ترین مبنای نظری برنامه پنجم در بخش صنعت، توجه به این امر است.

منابع غنی معدنی و زنجیره ارزش نفت، گاز و پتروشیمی به علاوه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی (متکی بر تنوع اقلیمی و منابع کشاورزی و دامی کشور) به عنوان صنایع مبتنی بر منابع (Resource-based) و سکوی پرتاب صنایع مصرفی و سرمایه ای کشور و نیز صنایع مبتنی بر فناوری های برتر به عنوان صنایعی که اساساً قدرت صنعتی و پویایی سایر صنایع را تحت تأثیر قرار می دهند، در کنار برخی صنایع منتخب و مسلط در شکل دهی آینده ساختار صنعتی کشور، در برنامه پنجم در سطوح مختلفی موضوع برنامه ریزی قرار گرفته اند.

رقابت و رقابت پذیری نیز در این مفهوم، در بستر قواعدی برخاسته از اخلاق و انصاف و قوانین موضوعه تعریف می شود و رعایت قوانین و مقررات مربوط در رعایت و حفظ چارچوب رقابت منصفانه به ویژه موارد مندرج در فصل نهم «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» در این برنامه مدنظر قرار گرفته است.

اصلاح و بازتعریف نقش و جایگاه دولت

پیرو سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جهت گیری کلان دولت در بخش های صنعتی و معدنی، باید بیش از پیش از نگاه داری و تصدی گری به سیاست گذاری، هدایت و نظارت معطوف شود.

به اذعان ادبیات شناخته شده تبیین نقش دولت، گرایش بیشتر به ساز و کار بازار رقابتی به هیچ وجه به معنی دولت کوچک تر نیست، بلکه به معنی دولت کارآمدتر و اثربخش تر (و در نتیجه کوچک تر) در ایفای نقش «تسهیل کنندگی»، «حمایت هدفمند» (معطوف به تقویت بنیان های رقابتی، زمینه سازی خلق و تقویت مزیت های رقابتی و تقویت قدرت فناورانه و صنعتی کشور) «تعیین کنندگی قواعد بازی»، «نظارت» بر حسن اجرای آن، انجام مداخلات سازگار با بازار و حتی الامکان پرهیز از ایفای نقش بازیگری به جز در موارد بسیار استثنایی است. دولت تصدی گر (بازیگر) از دو بعد، از ایفای وظایف خود باز می ماند:

بهبود محیط کسب و کار و افزایش توان رقابت پذیری بنگاه‌های صنعتی و معدنی

از آنجا که آزاد سازی اقتصادی، مقررات زدایی و روان سازی فرایندهای اداری اخذ مجوزها، دریافت خدمات زیربنایی و تأمین مالی فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی، ثبات و امکان نسبی پیش بینی متغیرهای کلان و شرایط اقتصادی آینده در افق و اجرا و بهره برداری از پروژه‌ها و به طور کلی بهبود محیط و فضای کسب و کار، پیش نیاز و ضامن موفقیت در خصوصی سازی و به بیان دیگر، مقدم بر آن است، بنابراین سیاست‌های صنعتی کشور، بدین سو معطوف شده و به خصوصی سازی نه تنها به عنوان فرایند انتقال مالکیت و مدیریت بنگاه‌های دولتی به بخش‌های خصوصی و تعاونی، بلکه به عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌ها، برای برانگیختن سرمایه‌گذاری و تحرک بخش‌های خصوصی و تعاونی و ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش‌های مزبور در تحقق اهداف رشد و صادرات نگرین شده است. خصوصی سازی از این منظر، خود هدف نبوده و ابزاری برای ارتقای کارایی و بهره‌وری در صنعت و اقتصاد است.

نگرش توسعه برون نگر درونزای صنعتی و معدنی

بخش‌های صنعت و معدن ضمن بهره‌گیری از بازار بزرگ داخلی به عنوان سکوی پرش، رشد مستمر، مشارکت بیشتر در افزایش درآمد سرانه و پویایی فناوری را در سایه برون نگر، توجه خاص و تغییر رویکرد به سوی بازارهای منطقه‌ای و جهانی تشکیل و گسترش شرکت‌های بزرگ در سطح جهانی با اتکای به بنیان‌های محکم درونی اقتصاد دنبال خواهند کرد.

ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید

از آنجا که بخش مهمی از منابع رشد، در بهبود مستمر فناوری و ترکیب عوامل تولید و ارتقا و بازآموزی مهارت نیروی انسانی نهفته است و در رقابت تنگاتنگ جهانی بهره‌مندی از همه فرصت‌ها، تعیین کننده برتری است، راهبرد ارتقای مستمر فناوری به عنوان منبع مهمی برای رشد بخش‌های صنعت و معدن مورد توجه قرار گرفته است.

ارتقای سطح امنیت سرمایه‌گذاری

تأمین سرمایه و صیانت منطقی از آن، نخستین دغدغه تمام فعالیت‌های اقتصادی است. تحقق رشد سریع و پایدار اقتصادی در راستای توسعه همه جانبه، مستلزم اطمینان خاطر از امنیت سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های گوناگون صنعتی و معدنی است. ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر، اهداف تأمین امنیت سرمایه‌گذاری خواهند بود. بنابراین نکات زیر مدنظر قرار دارند:

- ◆ وضع و اصلاح قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات دارای سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی.
- ◆ نظارت و رسیدگی به تخلفات اقتصادی به شکل روشن و تخصصی و همکاری مؤثر با سایر قوا و نهادهای نظارتی.
- ◆ فراهم کردن شرایط و فرصت‌های برابر برای بخش‌های فعال اقتصادی در حوزه صنعت و معدن.
- ◆ توجه به حقوق مالکیت فکری و معنوی و بستر سازی مناسب در این زمینه.
- ◆ ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی.
- ◆ توسعه متناسب بازار سرمایه، بازار کار، بازار اندیشه و بازار کالا.
- ◆ بهبود سیاست‌های پولی و اعتباری و متنوع سازی ابزارهای آن.

تحقق رشد سریع و پایدار اقتصادی در راستای توسعه همه جانبه، مستلزم اطمینان خاطر از امنیت سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های گوناگون صنعتی و معدنی است. ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر، اهداف تأمین امنیت سرمایه‌گذاری خواهند بود.

آمایش سرزمین و حفظ محیط زیست

توجه به ملاحظات آمایشی و هماهنگی عناصر انسان، فضا، فعالیت و توازن و تعادل منطقه‌ای در توسعه فعالیت، ساماندهی فعالیت‌های صنعتی و معدنی (در قالب شهرک‌های صنعتی و مناطق تخصصی استقرار فعالیت‌های صنعتی) در کنار صیانت از محیط زیست و منابع تجدید ناپذیر بین نسلی از مبانی مهم نظری در تدوین برنامه‌های بخش صنعت و معدن است.

وضع موجود بخش صنعت و معدن در اقتصاد کشور

صنعت

بر اساس گزارش بانک مرکزی، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی کشور طی قریب به نیم قرن گذشته از ۴/۲ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۱۹/۸ درصد در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است.

سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ بر اساس مآخذ بانک مرکزی از ۱۴/۶۵ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۱۸/۸۳ درصد در سال ۱۳۸۵ و به ۱۹/۰۷ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. در فاصله زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ بر اساس مآخذ مرکز آمار ایران، سهم یادشده از ۱۶ درصد به ۱۹ درصد افزایش یافته است. همانگونه که ملاحظه می‌شود در سال‌های اخیر ارقام ارایه شده سهم بخش بر اساس دو مآخذ آماری به تقریب یکسان ارایه شده است.

از یک نگاه کلی، روند رشد ارزش افزوده بخش صنعت طی بازه زمانی مورد اشاره، دوره‌های متفاوتی را شامل می‌شود: دوران رشد مستمر ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۴ که طی این دوره بخش صنعت با نوسان‌هایی از متوسط نرخ رشد دو رقمی ۱۲/۵۳ درصد برخوردار بوده است. دوران کوتاه بین شوک افزایش قیمت نفت تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۵۴) که در این دوره کوتاه در یک سال رشد بی سابقه حدود ۳۰ درصدی با واردات گسترده مواد اولیه و واسطه‌ای رخ داده و به سرعت کاهش یافته است و در دوره پرفراز و نشیب بین ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ تحت تأثیر شرایط انقلاب و جنگ تحمیلی شرایط پر نوسانی را طی کرده به طوری که متوسط نرخ رشد بخش طی دوره ۱۳۶۷-۱۳۵۷ به ۲/۷ درصد می‌رسد. شرایط دشوار سال‌های یاد شده و بروز مشکلات ارزی برای بنگاه‌های بزرگ صنعتی که اتکای بیشتری به واردات نهاده‌های واسطه‌ای داشتند، گسترش صنایع کوچک را در این دوران به عنوان جایگزینی برای صنایع بزرگ، موجب شد.

● معدن

بر اساس آمارهای ارایه شده از سوی بانک مرکزی، ارزش افزوده بخش معدن به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ از ۱۰۵/۲۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ به ۱۸۲۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ و ۴۶۸۶/۱۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است. متوسط نرخ رشد درازمدت ارزش افزوده بخش معدن در آن دوره (برای ۴۸ سال) معادل ۸/۲ درصد، برای دوره برنامه‌های اول و دوم (۱۳۷۷-۱۳۶۸) معادل ۷/۴ درصد در دوره برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) معادل ۱۱ درصد و برای دوره سه ساله نخست برنامه چهارم توسعه معادل ۱۳/۸ درصد بوده است.

نگاهی به نرخ رشد این بخش طی دوره دراز مدت مورد نظر نشان می‌دهد نوسان‌های این متغیر بسیار زیاد و با دامنه وسیع بوده و از سال‌های برنامه سوم تا کنون نوسان‌های آن تا حد زیادی جای خود را به ثبات داده و حالتی هموارتر به خود گرفته است. سهم نازل بخش معدن در تولید ناخالص داخلی، ریشه دار نبودن تولید مواد معدنی به دلیل سرمایه‌گذاری اندک و محدود بودن بنگاه‌های فعال در سال‌های قبل از دهه ۱۳۸۰ موجب می‌شد تا نوسان‌های موضعی، اثری شدید بر متغیرهای کلان داشته باشد. تعمیق فعالیت واحدهای فراوری و شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ‌تر و افزایش قابل ملاحظه تشکیل سرمایه ثابت در این بخش، زمینه‌ساز این تغییر مثبت بوده است. بنا به گزارش بانک مرکزی، سرمایه ثابت بخش معدن نیز از رقمی نزدیک به ۲۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ با جهش قابل ملاحظه در سال‌های آغازین تا میانی دهه ۱۳۵۰ (متأثر از افزایش شدید درآمدهای نفتی) و نیز خیزش دیگری در سال‌های آغازین دهه ۷۰ مواجه و تا سال ۱۳۷۹ تا سطحی کمتر از چهار دهه پیشین کاهش و سپس با آغاز برنامه سوم توسعه، جهش یافته است به نحوی که در سال ۱۳۷۶ رقم یادشده نزدیک به ۴ هزار میلیارد ریال بالغ شده است. پس از آن روند رشد این متغیر به صورت جهشی افزایش‌شتابانی به خود گرفته است. نوسان‌های شدید این متغیر در سال‌های پیشین نیز به طور عمده متأثر از محدود بودن واحدهای فراوری بزرگ و مسلط بودن سرمایه‌گذاری بخش دولتی بوده است.

با خاتمه جنگ و آغاز برنامه‌های بازسازی و اصلاحات اقتصادی در کشور (برنامه‌های اول و دوم) رشد صنعتی کشور سرعت بیشتری گرفت اما تا پایان برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸) روندی پر نوسان داشت. متوسط نرخ رشد ارزش افزوده بخش طی این دوره ده سال بالغ بر ۷/۶ درصد بوده است. سیاست‌های معطوف به آزادسازی در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ با وقوع بحران بدهی‌های خارجی و تورم جای خود را به سیاست‌های قیمت‌گذاری و کنترل مستقیم بر مبادی تولید و توزیع کالا و مبادلات ارزی در دوره ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ داد. بخش صنعت طی دوره مزبور تغییرات مهم در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور را تجربه کرده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به افزایش نرخ ارز، استفاده از استقراض خارجی برای سرمایه‌گذاری صنعتی و مقررات‌زدایی نسبی از شرایط کسب و کار اشاره کرد. در دوره پس از سال ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۸۳، بخش صنعت از رشد مستمر دو رقمی و بدون نوسان شدید و متوسط سالانه ۱۱/۴ درصد برخوردار بوده است. سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ دوران اجرای گسترده‌تر سیاست‌های آزادسازی، حذف موانع غیر تعرفه‌ای واردات، یکسان‌سازی نرخ ارز و اتخاذ سیاست نرخ ارز شناور مدیریت شده، کنترل استفاده بودجه‌ای دولت از درآمدهای نفتی با ایجاد حساب ذخیره ارزی و اختصاص بخشی از منابع حساب یادشده به اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به ویژه در بخش صنعت بوده است. بر اساس ارقام گزارش شده توسط بانک مرکزی رشد بخش صنعت در سال ۱۳۸۴ (سال نخست برنامه چهارم توسعه) حدود ۷ درصد بوده که حاکی از کاهش رشد پس از یک دوره شش ساله رشد دو رقمی است. البته نرخ رشد یادشده در سال ۱۳۸۵ به ۹/۵ درصد افزایش و سپس در سال ۱۳۸۶ به ۸ درصد کاهش یافته است.

بر اساس آمارهای ارایه شده از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ به قیمت ثابت سال ۱۳۸۶ رشد ارزش افزوده بخش صنعت کمی بیش از ۱۰ درصد بوده است (بر اساس مآخذ بانک مرکزی این رشد در فاصله زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ نیز کمی کمتر از ۱۰ درصد بوده است).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

صادرات مواد و محصولات خام و نیمه خام در یک اقتصاد متنوع و دارای ابعاد بزرگ به لحاظ وسعت جغرافیایی و جمعیتی و بهره‌مند از ظرفیت‌های فناورانه، به طور اساسی مطلوب تلقی نمی‌شود تا بدان حد که چالش خام‌فروشی از چالش‌های گریبانگیر کشورهای است که در مراحل آغازین توسعه صنعتی قرار دارند.

بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ صادرات وزنی و ارزشی بخش معدن کاهش یافته و این کاهش در سال ۱۳۸۳ بسیار قابل ملاحظه است. ارزش صادرات معدنی در سال ۱۳۷۹ معادل ۰/۶ میلیارد دلار و به لحاظ وزن ۴۰۸ هزار تن و همین ارقام در مورد سال ۱۳۸۴ به ترتیب معادل ۰/۴ میلیارد دلار و ۶۱۳/۳ هزار تن بوده است. این کاهش تا آنجا که با رشد تولید همراه بوده، نه تنها منفی ارزیابی نمی‌شود، بلکه می‌تواند نشانه تعمیق و گسترش زنجیره تولید محصولات پایین دستی معادن باشد.

بر اساس مبانی و رویکردهای پیش گفته و مطابق مصوبات دولت و شورای عالی تدوین برنامه پنجم، عناوین بسته‌های سیاستی اجرایی به این شرح در دستور کار گروه مشترک اقتصادی قرار گرفت: صنایع تبدیلی، معدن و صنایع معدنی، صنایع پتروشیمی و اولویت‌های صنعتی.

کارگروه تخصصی صنعت و معدن، با سازماندهی و تشکیل چهار کمیته معین، تدوین بسته‌های سیاستی اجرایی مزبور را در چارچوب و سرفصل‌های تعیین شده آغاز کرد و ضمن تهیه احکام قانونی مورد نیاز برای هر یک از آنها، به بررسی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، ترسیم چشم‌انداز جهانی، منطقه‌ای و داخلی و تعیین راهبردها و عناوین برنامه‌های عملیاتی و پیش‌نویس اهداف کمی و برآورد منابع مورد نیاز در هر یک از زمینه‌های مورد نظر پرداخت.

در این بخش به برخی رئوس بسته‌های سیاستی اجرایی (به جز بسته اولویت‌های صنعتی که در دست تکمیل است) تا سطح سیاست‌های راهبردی اشاره می‌شود.

بسته توسعه صنایع پتروشیمی و پایین دستی تحلیل راهبردی

← قوت‌ها

- ☒ برخورداری از خوراک فراوان و ارزشمند در کشور، به ویژه سواحل جنوبی
- ☒ وجود نیروی کار متخصص، مجرب و ارزان.
- ☒ توانمندی و ظرفیت تولید محصولات شیمیایی اولیه و واسطه‌ای
- ☒ وجود توان قابل توجه و دارای ظرفیت رشد سریع ساخت داخل ماشین‌آلات مورد نیاز
- ☒ تجربه بیش از چهار دهه در مدیریت اجرایی طرح‌ها و بهره‌برداری از مجتمع‌های پتروشیمی.
- ☒ وجود زیرساخت‌های ایجاد شده در برنامه‌های چهارگانه توسعه پس از انقلاب.

☒ برخورداری از نماد تجاری معتبر (BRAND) در صنایع پایه پتروشیمی. نیاز به سرمایه‌گذاری ارزی بالا (وابستگی فناوری)، سرمایه‌بری سنگین، لزوم رعایت مقیاس اقتصادی در بخش قابل ملاحظه‌ای از ظرفیت‌های موجود (طراحی واحدهای مشابه و تولید یک نوع محصول در واحدهای مختلف)، آلاینده‌های زیست‌محیطی، ضعف در مدیریت انتقال فناوری و تکرار خرید واحدهای مشابه، تسلط مالکیت دولت بر صنعت، مصرف انرژی بالا، بالا بودن سهم مواد خام در ارزش ستانده، ارتباط با مشتریان و بازارها، لزوم اهتمام برنامه‌ریزی شده به توسعه صنایع پایین دستی توسط بخش خصوصی در برنامه‌های پیشین و ... از جمله مواردی به شمار می‌آید که توجه به آنها ضروری است.

← فرصت‌ها

- ☒ نزدیکی به بازارهای بزرگ مصرف در خاورمیانه و کشورهایی مانند هند و چین و شرق دور و اروپا.
- ☒ وجود بازار بزرگ و بالقوه داخلی برای زنجیره محصولات.
- ☒ آزادسازی در شمول قیمت‌گذاری دولتی بر محصولات عمده پتروشیمی در سال‌های اخیر.
- ☒ تولید طیف وسیعی از محصولات پتروشیمی پایه در مجتمع‌های موجود در دست اجرا در کشور.
- ☒ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری تولید محصولات تخصصی صنایع پایین دستی به بخش خصوصی.
- ☒ وجود ظرفیت‌های بالا برای جذب سرمایه‌گذار خارجی.
- ☒ فراهم شدن امکان تبادل اطلاعات متخصصان کشور با مراکز علمی و صنعتی داخل و خارج از طریق شبکه‌های جهانی ارتباطات.
- ☒ تنوع منابع و گستردگی صنایع موجود بالقوه در کشور در مقایسه با رقبای منطقه‌ای و امکان بسط تقاضای داخلی به عنوان پایگاه خیزش صنعت پتروشیمی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی.
- ☒ هم‌جواری و دسترسی مجتمع‌های بزرگ پتروشیمی به آب‌های آزاد بین‌المللی.
- ☒ ارتباط راه آهن سراسری به ترکیه، اروپا و آسیای مرکزی برای صادرات محصولات.

چشم انداز ۲۰ ساله صنعت پتروشیمی در سال ۱۴۰۴

- ❖ نخستین تولید کننده مواد و کالای پتروشیمی در منطقه از لحاظ ارزش.
- ❖ ۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری طی ۲۰ سال.
- ❖ ظرفیت محصولات عمده پتروشیمی به میزان ۱۲۶ میلیون تن در سال.
- ❖ سهم ۳۴ درصدی از ارزش ظرفیت محصولات عمده پتروشیمی در خاورمیانه.
- ❖ سهم ۶/۳ درصد از ارزش ظرفیت محصولات عمده پتروشیمی در جهان.

راهبردها (سیاست‌های راهبردی پیشنهادی برای تحقق اهداف)

- ⊙ تعیین شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان سازمان توسعه‌ای صنایع پتروشیمی و پایین دستی.
- ⊙ اتخاذ سیاست‌های خصوصی سازی و واگذاری با رعایت ملاحظات حفظ زنجیره ارزش و حفظ بازارهای خارجی صنعت پتروشیمی.
- ⊙ رعایت سیاست‌های ترجیحی پردازش بیشتر محصولات خام و اولیه در داخل کشور در برابر صادرات.
- ⊙ ترغیب صنایع تولید کننده محصولات پایه به عقد قراردادهای درازمدت تأمین خوراک صنایع میانی و پایین دستی پتروشیمی و چارچوب‌های درازمدت قیمت توافقی.
- ⊙ کنترل و جلوگیری از قطع جریان گاز و خوراک صنایع پایه پتروشیمی به دلیل رجحان صادرات یا مصارف غیرصنعتی و اعمال سیاست جبران خسارت‌های عدم النفع و تجهیزات ناشی از آن توسط شرکت‌های بالادست یا دولت.
- ⊙ آزاد سازی کامل زنجیره محصولات پتروشیمی از مقررات قیمت گذاری دولتی.
- ⊙ رفع ممنوعیت و محدودیت‌های صادرات انواع کودهای شیمیایی به دلیل نیاز بخش کشاورزی و اعمال سیاست‌های عوارض صادراتی در این زمینه.
- ⊙ اعمال سیاست‌های اخذ عوارض صادراتی از محصولات خام و مواد اولیه واسطه‌ای تولیدی واحدهای تولید محصولات پایه پتروشیمی به منظور تنظیم شرایط عرضه خوراک مورد نیاز صنایع میانی و پایین دستی.
- ⊙ رعایت ملاحظات رقابتی با رقبای منطقه‌ای و ارتقای بهره‌وری در قیمت گذاری خوراک و انرژی صنایع پتروشیمی.
- ⊙ توسعه قابلیت‌های فناوری داخلی به منظور گذار از مزیت‌های نسبی مبتنی بر مواد خام به مزیت رقابتی.
- ⊙ ساماندهی زنجیره‌ها و خوشه‌های صنایع پایین دستی در قالب شهرک‌ها و مناطق تخصصی در جوار مناطق تجمع صنایع تولید محصولات پایه و خطوط لوله انتقال مواد اولیه
- ⊙ تأمین زیرساخت‌های لازم برای ایجاد مناطق و شهرک‌های تخصصی صنایع پتروشیمی.
- ⊙ اجرای برنامه‌های بازسازی و نوسازی مجتمع‌های پتروشیمی.
- ⊙ استفاده و به گردش درآوردن منابع حاصل از واگذاری صنایع پتروشیمی در قالب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی برای توسعه سامانه‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی از طریق سازمان توسعه‌ای زیربخش.
- ⊙ استفاده از موقعیت بدهکاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی به مؤسسه‌های پولی و بانک خارجی در تأمین مالی خارجی طرح‌های برنامه پنجم.
- ⊙ ترغیب تولید کنندگان داخلی به سازماندهی فعالیت‌های صادراتی در قالب اتحادیه‌های بازرگانی.
- ⊙ حمایت از گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه به ویژه در بنگاه‌های بزرگ.
- ⊙ مستند سازی فناوری‌های کسب شده در دوره‌های پیشین
- ⊙ در صنایع پتروشیمی و حمایت از شرکت‌های طراحی و مهندسی و پیمانکاری داخلی در بومی سازی و توسعه فناوری‌های کسب شده
- ⊙ با محوریت سازمان توسعه‌ای بخش و همکاری سایر نهادها و سازمان‌های ذیربط.

بسته معادن و صنایع معدنی

← قوت‌ها

☒ ظرفیت معدنی بالقوه کشور (وجود معادن در کلاس جهانی برای مثال مس، سرب و روی، آهن و ...) (...)

☒ تنوع مواد معدنی (حدود ۶۸ نوع ماده معدنی در کشور موجود است و به لحاظ تنوع جزء ۱۰ کشور برتر معدنی جهان هستیم)

☒ ذخایر عظیم مواد معدنی (وجود حدود ۳۷ میلیارد تن ذخایر قطعی و بیش از ۵۷ میلیارد تن ذخایر قطعی و احتمالی)

☒ وجود نیروهای متخصص دانشگاهی، آزمایشگاه‌های علوم زمین و تجهیزات برای فعالیت‌های زمین‌شناسی در بخش.

☒ وجود سازمان‌ها و انجمن‌های تخصصی بخش مانند سازمان نظام مهندسی معدن و ...

☒ وجود توانمندی بالقوه در توسعه فناوری‌های اکتشاف، فراوری و تولید در صنایع معدنی.

☒ وجود اطلاعات پایه زمین‌شناسی، ژئوشیمیایی و ظرفیت‌های کانی‌زایی و پایگاه داده‌های علوم زمین.

☒ بستر زمین‌شناسی بالقوه و تیپ‌های مختلف کانی‌زایی شناخته شده در ارتباط با آن.

☒ تقویت بخش غیردولتی اکتشاف مواد معدنی از طریق آموزش و اعطای کمک‌های فنی مهندسی توسط سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.

☒ نهادسازی‌های انجام شده در زمینه سازمان توسعه‌ای بخش و پوشش خطرات فعالیت‌های معدنی (صندوق بیمه فعالیت‌های معدنی)

☒ وجود بنگاه‌های بزرگ شناخته شده و دارای توان بالقوه فعالیت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه صنایع تولید فلزات اساسی.

به روز رسانی اطلاعات پایه زمین‌شناسی، ژئوشیمیایی و ظرفیت‌های کانی‌زایی، فعالیت به منظور شناسایی تیپ‌های محتمل کانی‌زایی در کشور، هم‌سطح کردن بانک‌های اطلاعاتی زمین‌شناسی و معدنی با استاندارد‌های بین‌المللی، افزایش اطلاعات ژئوفیزیک هوایی، فراطیفی هوایی و زیر سطحی، تأمین نیروی متخصص و تجهیزات برای فعالیت‌های زمین‌شناسی دریایی و ...، بررسی و پایش مخاطرات زمین‌شناختی و راهکارهای پیشگیری از آن، مدیریت بهینه تولید مواد معدنی از ذخایر و منابع، تداخل محدوده‌های اکتشافی و بهره‌برداری موجود، عملیاتی شدن سیستم جامع کاداستر (تصدی زمین) کارآ و شفاف (فرایند صدور گواهی کشف و بهره‌برداری)، تکمیل و ارتقای قانون و مقررات مرتبط با فعالیت‌های معدنی در تطبیق با شرایط متحول، تقویت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت، به ویژه در اتخاذ سیاست یکپارچه تجاری و صنعتی مناسب برای رشد پایدار صنعتی و معدنی، افزایش بهره‌وری در بخش معدن (سرمایه، نیروی کار، انرژی و بازاریابی)، تقویت تشکیلات صنفی و تخصصی در بخش، تقویت واحدهای تحقیق و توسعه کارآمد و اثربخش، افزایش سرمایه بانک تخصصی صنعت و معدن و ظرفیت‌های نظام بانکی برای تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ و توسعه متوازن صنایع پایین دستی معدنی به ویژه در فلزات اساسی از جمله مواردی است که باید در این بخش مورد توجه جدی قرار گیرد.

← فرصت‌ها

☒ وجود جاذبه‌های زمین‌شناسی، معدنی و گردشگری زمین‌شناسی در کشور.

☒ وجود پوشش اطلاعات پایه در سطح کشور و سامانه‌های اطلاع‌رسانی.

☒ ارتباطات گسترده و تفاهمنامه با بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی، آمریکای جنوبی و آفریقایی در زمینه‌های زمین‌شناسی، اکتشاف و ایجاد پایگاه داده‌های علوم زمین.

☒ نیاز بسیاری از کشورهای منطقه در حال توسعه به دانش زمین‌شناسی و اکتشاف مواد معدنی.

☒ نیروی تحصیلکرده متخصص ارزان در داخل کشور.

☒ دسترسی به منابع انرژی در کشور.

☒ موقعیت استراتژیک کشور و دسترسی به بازارهای منطقه.

☒ وجود پایگاه داده‌های علوم زمین به منظور اطلاع‌رسانی برای سرمایه‌گذاران خارجی در بخش معدن.

☒ ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان فراهم‌کننده بستر مناسب توسعه و ایجاد تحول در بخش معادن و صنایع معدنی.

☒ موقعیت استراتژیک کشور و دسترسی به بازارهای منطقه.

☒ تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به ویژه کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس برای سرمایه‌گذاری در صنایع واسطه‌ای و انتقال این گونه صنایع از جهان صنعتی به نوسنتی و در حال توسعه.

☒ وقوع بحران در بازارهای مالی غرب و افزایش فرصت دسترسی به منابع مالی و فناوری

☒ ظرفیت‌های رشد زنجیره‌های پایین دستی صنایع مصرفی با دوام، صنایع ساختمانی پیش‌ساخته و کالاهای نهایی در کشور به عنوان بازار تقاضای محصولات واسطه‌ای معدنی فلزی و غیرفلزی.

☒ فرصت‌های توسعه فناوری‌های نوین و صنایع تولید مواد جدید و پیشرفته فلزی، غیرفلزی، کامپوزیت‌ها و ... به عنوان موتور محرک توسعه معادن بالادستی.

☒ قانون حداکثر استفاده از توان سازندگان داخلی به عنوان هدایت‌کننده تقاضای بخش عمومی به سوی ظرفیت‌های داخلی مواد و محصولات واسطه‌ای پایه معدنی.

☒ رشد میان‌مدت و درازمدت تقاضای محصولات واسطه‌ای در شرق و جنوب آسیا، چین و خاورمیانه.

☒ وجود ظرفیت‌های طراحی، ساخت و نصب تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی و معدنی و اجرای پروژه (ظرفیت توسعه فناوری)

چشم انداز محصولات برگزیده معدنی و صنایع معدنی در جهان و کشور

در صورت اجرای طرح‌های توسعه پیش بینی شده، میزان رشد طی برنامه نسبت به ظرفیت‌های موجود کشور قابل ملاحظه است و پس از دستیابی به ظرفیت‌های پیش بینی شده سهم ایران در تولید، به طور متوسط نزدیک به ۲ درصد از تولید جهانی خواهد بود.

با توجه به افزایش رشد سالانه تولید، می‌توان پیش بینی کرد که سهم ایران در تولید تا پایان ۲۰۱۵ افزایش می‌یابد و روندی صعودی را طی خواهد کرد.

جدول ۱: پیش بینی تولید محصولات معدنی در سال ۲۰۱۵

عنوان	تولید ایران	متوسط رشد سالیانه ایران	تولید جهان	متوسط رشد سالیانه جهان	سهم ایران از تولید جهانی
سنگ آهن	۸۰	۱۹	۳۵۵۶	۴	۲/۲۵
فولاد	۵۵	۲۶	۳۲۰۰	۳	۱/۷۲
آلومینا	۳	۹۹	۱۲۸	۳	۲/۳۴
آلومینیوم	۱/۵	۳۷	۷۱	۲/۵	۲/۱۱
مس	۰/۸	۱۸	۳۰	۳	۲/۶۷

میلیون تن - درصد

راهبردها

- ایفای نقش سازمان توسعه معادن و صنایع معدنی ایران به عنوان سازمان توسعه‌ای بخش و تحقق مفاد قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در بخش معدن و صنایع معدنی کشور.
- رعایت سیاست‌های ترجیحی پردازش بیشتر محصولات خام و اولیه در داخل کشور در برابر صادرات.
- گسترش تولید و به روز رسانی و مجتمع‌سازی اطلاعات پایه زمین‌شناسی و اکتشافی دستگاه‌های مختلف و توسعه سامانه‌های دسترسی و اطلاع‌رسانی مؤثر در این زمینه برای تأمین نیاز فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی.
- تأمین زیرساخت‌های عمومی و حمایت از واحدهای معدنی و صنایع بزرگ معدنی در تأمین زیرساخت‌های اختصاصی.
- حمایت از احداث و توسعه واحدهای فراوری معدنی مرتبط با ذخایر کم عیار و باطله‌های قابل استفاده معدنی و وارد کردن آنها به فرایند صنعتی و تکمیل زنجیره ارزش افزوده به منظور افزایش بهره‌وری.
- اصلاح محدوده‌های اکتشافی و بهره‌برداری موجود و ایجاد یک سیستم جامع کاداستر معدنی.
- گسترش پوشش بیمه فعالیت‌های معدنی به ویژه در حوزه اکتشاف.
- ارتقای اصول فنی و ایمنی در بخش معدن.
- جلوگیری از تضييع ذخيره مواد معدنی با گسترش ساز و کارهای نظارت.
- اعطای کمک‌های فنی و اعتباری به صورت وجوه اداره شده برای حمایت از فعالیت‌های حایز اولویت در بخش.
- گسترش فعالیت‌های تهیه و استقرار استانداردهای فعالیت‌های معدنی.
- ارتقای فناوری‌های استخراج برای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از ذخایر معدنی.
- گسترش شرکت‌های بزرگ (Holding) خصوصی فعال در زنجیره معدن و صنایع معدنی.
- ایجاد شرایط پایدار و قابل پیش بینی و اطمینان بخش برای سرمایه‌گذاران به ویژه در زمینه شرایط قیمت انرژی در صنایع انرژی بر معدنی و نیز شرایط و ضوابط پرداخت حقوق دولتی معادن.
- توسعه صنایع پایین دستی فلزات اساسی، شیمی معدنی و مواد جدید پایه معدنی با رویکرد تولید محصولات با فناوری‌های برتر.
- گسترش جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری مشترک در فعالیت‌های اکتشافی، بهره‌برداری و فراوری به منظور جذب فناوری و منابع جدید.
- ایجاد و تقویت انجمن‌های صنفی و تخصصی.

بسته صنایع غذایی

← قوتها

- ☑ وجود نیروی متخصص در زمینه صنایع غذایی و رشته‌های مرتبط.
- ☑ بالا بودن مزیت نسبی آشکار شده برای برخی از محصولات صادراتی.
- ☑ اجباری بودن اجرای استاندارد عمده محصولات غذایی.
- ☑ دستیابی به نیروی کار متخصص ارزان.
- ☑ بر خورداری صنایع غذایی کشور از سابقه طولانی.
- ☑ مالکیت غبردولتی در زیر بخش (حدود ۹۷ درصد واحدها).
- ☑ سابقه صادراتی بسیاری از محصولات صنایع غذایی.
- ☑ ارزش افزوده بالا.

یادآوری می‌شود بالا بودن قیمت تمام شده به دلیل پراکندگی و مقیاس کوچک واحدها و فرسودگی (در برخی صنایع) لزوم تقویت استقرار نظام‌های جامع کنترل و تضمین کیفیت، تقویت فعالیت واحدها در زمینه نوآوری و تحقیق و توسعه (R&D) ارتقای فعالیت واحدهای بازاریابی، به روز کردن فرایندهای تولید و مدیریت در واحدها و لزوم بازسازی و نوسازی در برخی از آنها، تقویت فناوری و افزایش کیفیت بسته بندی، به روز کردن فناوری، تقویت تحقیقات بازار و بازاریابی و شناخت رفتار مصرف کنندگان بازارهای هدف، افزایش سهم از بازار جهانی محصولات غذایی، تقویت تنوع محصول در برخی رشته‌ها و... از جمله مواردی به شمار می‌آید که توجه به آن در این بسته (صنایع غذایی) ضروری به نظر می‌رسد.

← فرصت‌ها

- ☞ بازار بزرگ (ترکیب جمعیتی جوان) و بارش مناسب داخلی و ارزآوری بالای کالاهای غذایی صادراتی.
- ☞ رشد آگاهی مصرف کنندگان، تغییر الگوهای زندگی و افزایش تقاضا برای محصولات غذایی متنوع و فراوری شده و آماده.
- ☞ بر خورداری از مواد اولیه متنوع داخلی، در اکثر حوزه‌های صنایع غذایی که برخی از آنها در جهان در رتبه اول قرار دارند.
- ☞ شرایط خاص اقلیمی کشور و تولید محصولات کشاورزی با طعم و مزه مناسب.
- ☞ دسترسی و عدم محدودیت در تأمین فناوری به دلیل سادگی و عدم حساسیت‌های نظامی.
- ☞ توانمندسازی خطوط ماشین آلات صنایع غذایی.
- ☞ جایگاه ممتاز جمهوری اسلامی ایران در اذهان جمعیت مسلمان جهان برای تأمین غذای حلال مسلمانان خارج از کشور و مدیریت و نظارت بر نماد «حلال» بر محصولات غذایی.
- ☞ امکان تولید تحت لیسانس برندهای برتر جهانی.
- ☞ بالا بودن حمایت‌های تعرفه‌ای در مقایسه با سایر کالاهای صنعتی.

☞ مجاورت یا بازارهای منطقه‌ای با ظرفیت رشد بالا و سابقه حضور در آنها به ویژه در حوزه خلیج فارس.

تحلیل چشم‌انداز ملی و جهانی آینده و پیش‌بینی تولیدات محصولات کشاورزی و غذایی در سال‌های ۲۰۱۷ - ۲۰۰۸

گزارش مشترکی توسط سازمان جهانی مواد غذایی و محصولات کشاورزی سازمان ملل متحد (FAO) و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) در خصوص چشم‌انداز تولید برخی محصولات مهم کشاورزی و غذایی طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ و مقایسه آن با دهه مشابه تهیه شده است.

پیش‌بینی شده است که متوسط قیمت مواد غذایی طی دهه یاد شده در مقایسه با دهه مشابه قبل افزایش داشته باشد که بر اساس این، اقلام غذایی شکر خام و سفید ۳۰ درصد، شیر خشک ۴۰ درصد تا ۶۰ درصد، کره و دانه‌های روغنی بیش از ۶۰ درصد روغن‌های ساخته شده بیش از ۸۰ درصد از افزایش قیمت برخوردار خواهند بود.

افزایش تولیدات مواد اولیه مورد نیاز صنایع غذایی در بخش‌های زراعی در کشورهای در حال توسعه قابل توجه پیش‌بینی شده است که این افزایش به طور عمده به واسطه اقدام‌های به زراعی و بهبود بازده حاصل می‌شود. در زیر تصویر آینده برخی محصولات منتخب غذایی ارائه می‌شود.

محصولات لبنی

میزان تولید جهانی شیر و فرآورده‌های لبنی در سال ۲۰۰۷ برابر با ۶۷۷/۸ میلیون تن بوده که بر اساس پیش‌بینی و برآورد سازمان فائو در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به ۶۹۲/۷ و ۷۰۹/۷ می‌رسد. تولید محصولات یاد شده در کشور ایران برابر با ۷/۶ میلیون تن اعلام شده که در سال ۲۰۰۹ به ۷/۸ میلیون تن می‌رسد.

کشورهای پاکستان با تولید ۳۷/۳ میلیون تن، ترکیه ۱۲/۳ میلیون تن، عربستان سعودی ۱/۸ میلیون تن، روسیه ۳۳/۲ میلیون تن و اوکراین ۱۲/۸ میلیون تن از مهم‌ترین تولید کنندگان منطقه در سال ۲۰۰۹ خواهند بود.

افزایش پیش‌بینی شده برای شاخص قیمت محصولات لبنی در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، رسیدن به ارقام ۲۴۷ در سال ۲۰۰۸ و ۲۶۲ در سال ۲۰۰۹ از شاخص ۱۳۸ سال ۲۰۰۷ است.

مصرف سرانه جهانی محصولات لبنی در سال ۲۰۰۶ برابر با ۱۰۴ کیلوگرم بوده که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۹ به ۱۰۵ کیلوگرم برسد تفاوت چشمگیری بین مصرف سرانه محصولات لبنی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد به نحوی که مصرف سرانه کشورهای در حال توسعه حدود ۱/۴ مصرف سرانه کشورهای توسعه یافته است که با توجه به اهمیت و نقش محصولات یاد شده به عنوان تأمین کننده مواد غذایی سالم جامعه و همچنین پایین بودن سهم تجارت از تولید کالاهای اشاره شده (حدود ۶ درصد)، افزایش میزان تولیدات فرآورده‌های لبنی و گسترش صنایع وابسته به آن یکی از اولویت‌های کاری کشورهای در حال توسعه بوده و هست.

روغن‌ها و چربی‌ها

میزان تولید جهانی روغن‌ها و چربی‌ها در سال ۲۰۰۶ برابر با ۱۵۲/۶ میلیون تن بوده که سازمان FAO، برآورد میزان تولید در سال ۲۰۰۷ و پیش‌بینی سال ۲۰۰۸ را افزایش میزان تولیدات تا ۱۵۵/۴ و ۱۶۳ میلیون تن، اعلام کرده است. از دیگر محصولات حاصل از روغن‌کشی دانه‌های روغنی، کنجاله مورد مصرف در خوراک دام و طیور است که با افزایش میزان تولید جهانی روغن خام، افزایش میزان تولید کنجاله نیز پیش‌بینی شده است.

افزایش شاخص قیمت روغن خام و کنجاله در مقایسه با دوره تولید ۲۰۰۸-۲۰۰۷ برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به ترتیب ۲۶ و ۵۵ درصد خواهد بود که تغییرات شاخص قیمت روغن با شاخص قیمت دانه‌های روغنی نزدیک است.

سهم تجارت روغن خام و کنجاله از تولید این کالاها حدود ۵۰ درصد است و کشورهای مختلف به دلیل عدم تولید یا کمبود تولید دانه‌های روغنی به طور عمده اقدام به واردات دانه روغنی، روغن خام یا کنجاله می‌کنند.

در چشم‌انداز سازمان OECD و FAO پیش‌بینی شده است که میزان تولید جهانی روغن‌های گیاهی در سال ۲۰۱۷ به ۱۴۳ میلیون تن برسد. شایان ذکر است که براساس این چشم‌انداز، شاخص قیمت روغن از ۵۸۷ به ۱۰۵۵ خواهد رسید که مؤید ۱/۸ برابر شدن خواهد بود.

از جمله دلایلی که برای افزایش قابل توجه شاخص قیمت روغن‌ها قابل ذکر است، افزایش تولید سوخت‌های گیاهی و افزایش تقاضا برای خوراک دام و طیور است.

شکر

میزان تولید جهانی شکر در سال زراعی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ برابر با ۱۶۹/۸ میلیون تن توسط سازمان FAO برآورد و پیش‌بینی شده میزان تولید در سال زراعی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ با ۸/۹ میلیون تن کاهش به رقم ۱۶۰/۹ میلیون تن برسد. از دلایل عمده کاهش تولید یاد شده کاهش شدید تولیدات در اتحادیه اروپا، هند و پاکستان به واسطه کاهش سطح زیر کشت‌ها و جایگزینی کشت‌های رقیب مانند ذرت و سویا است. مناطق عمده تولید کننده شکر در سال آینده عبارتند از: آسیا: ۶۳ میلیون تن (هند و چین و پاکستان)، آمریکای جنوبی: ۴۱/۳ میلیون تن (برزیل)، اروپا: ۲۰/۴ میلیون تن (اتحادیه اروپا و روسیه) و آمریکای مرکزی: ۱۲/۸ میلیون تن (مکزیک و گواتمالا) میزان تولید کشورهای تولید کننده شکر در منطقه، در سال زراعی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به صورت زیر پیش‌بینی شده است: اوکراین: ۱/۹ میلیون تن، روسیه: ۲/۲ میلیون تن، پاکستان: ۴ میلیون تن و ترکیه: ۲/۱ میلیون تن.

مصرف سرانه جهانی شکر در سال زراعی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ برابر ۲۳۱/۱ کیلوگرم برآورد می‌شود که به رغم کاهش میزان تولید، پیش‌بینی می‌شود مصرف سرانه شکر به ۲۳/۴ کیلوگرم بالغ شود که ۱/۳ درصد

بیشتر از مدت مشابه قبلی خواهد بود. یکی از دلایل افزایش مصرف سرانه به دلیل تقاضای بیشتر کشورهای در حال توسعه برای افزایش تولیدات صنایع مصرف شکر عنوان شده است.

شاخص قیمت شکر در سال ۲۰۰۷ کاهش یافت و به ۱۰/۸ رسید و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۸ با ۲۷ درصد افزایش به ۱۲/۷۳ برسد. بر اساس چشم‌انداز سازمان OECD و FAO پیش‌بینی شده است که میزان تولید جهانی شکر در سال زراعی ۲۰۱۸-۲۰۱۷ به ۱۸۹ میلیون تن برسد. هم‌زمان با افزایش میزان تولید، شاخص قیمت شکر خام و سفید نیز با رشد روبرو خواهد شد به نحوی که شاخص قیمت شکر خام از ۲۳۷/۱ به ۳۰۱/۷ و شاخص شکر سفید از ۲۹۱/۲ به ۳۷۹/۱ خواهد رسید.

راهبردها

- ساماندهی امور غذا و دارو.
- استمرار کمی و کیفی رشد تولید در زنجیره صنعت غذا.
- الزام استقرار سیستم کنترل کیفی HACCP در واحدهای بزرگ صنایع غذایی.
- تسری پوشش بیمه‌های جبران خسارت‌های خشکسالی، سرمازدگی و آفت زدگی به زنجیره صنایع غذایی و تبدیلی.
- تکمیل و فعال‌سازی شهرک فناوری صنایع غذایی.
- گسترش شهرک‌های تخصصی و خوشه‌های صنعتی صنایع غذایی و تبدیلی در جوار قطب‌های کشاورزی خاص.
- تمهید گسترش کشت و صنعت‌ها.
- ارتقای بهره‌وری و حمایت از بازسازی و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی در صنایع غذایی به ویژه در صنایع قند و شکر، تولید روغن ساخته شده خوراکی، صنایع شیر و فرآورده‌های لبنی و کنسرواتر و آب‌میوه.
- تنوع‌بخشی به محصولات و ایجاد ارزش افزوده بیشتر در تولید.
- افزایش سهم تسهیلات بانکی نقدینگی (سرمایه در گردش) و بهبود توزیع فصلی و آرایه آن به صنایع تبدیلی و تکمیلی.
- توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه در سطح واحدهای تولیدی و فراوری.
- گسترش و ترویج نمادهای تجاری (Brand) محصولات داخلی.
- ارتقای فناوری و بهبود بسته‌بندی در صنایع تبدیلی و فعالیت‌های سورتنینگ و بسته‌بندی محصولات کشاورزی.
- تقویت اتحادیه‌های صادرات محصولات بسته‌بندی شده مانند محصولات درجه بندی شده زعفران و پسته.
- احداث انبارهای فنی نگهداری مواد خام مورد استفاده در صنایع تبدیلی و بهسازی انبارهای موجود.
- حذف موانع و گلوگاه‌های اخذ مجوز واردات و ترخیص انواع مواد اولیه و محصولات واسطه‌ای دامی و غذایی و تبدیل آنها به ضوابط فنی و کنترل آنها در مبادی ورودی.

منبع

❖ هفته‌نامه برنامه، سال هشتم، شماره ۲۲۲